

- مقالات باید علمی، پژوهشی، مستند و دارای نوآوری باشند.
- مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریه دیگری چاپ شده یا برای نشریه دیگر ارسال شده باشد.
- مقالات متناسب با یک شماره آماده شود و طولانی و دنباله‌دار نباشند.
- مقاله ارسالی از ۲۵ صفحه حروف چینی شده (هر صفحه ۲۵۶ کلمه) افزون نباشد.
- دو نسخه از مقاله حروف چینی شده در محیط word به همراه دیسکت یا لوح فشرده آن ارسال گردد.
- چکیده مقاله که آئینه تمام‌نما و فشرده بحث است، به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی، و حداکثر در ده سطر ضمیمه باشد و کلید واژه‌های مقاله (حداقل سه و حداکثر هفت واژه) به دنبال هر چکیده بیاید.
- رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی الزامی است.
- ارجاعات در متن مقاله بین پرانتز (نام مؤلف، سال انتشار، شماره صفحه) نوشته شود.
- در مورد منابع غیر فارسی، همانند منابع فارسی عمل شود و معادل لاتین کلمات در پایین صفحه بیاید.
- نقل قولهای مستقیم بیش از چهل واژه به صورت جدا از متن با تورفتگی (یک و نیم سانتی‌متر) از راست درج شود.
- شکل لاتینی نامهای خاص، واژه‌های تخصصی و ترکیبات خارجی با ذکر شماره در پاورقی درج شود.
- یادداشتهای توضیحی شامل توضیحات بیشتری که به نظر مؤلف ضروری به نظر می‌رسد، با ذکر شماره در پاورقی همان صفحه درج شود.
- در یادداشتهای چنانچه به مأخذی ارجاع یا استناد شود، ذکر نام نویسنده و شماره جلد و صفحه کافی است و مشخصات تفصیلی مأخذ باید در فهرست پایان مقاله بیاید.
- در ارجاعات بعدی فارسی از «همان» و در ارجاعات غیر فارسی به تناسب از «op.cit.» (پیشین) و «Ibid.» (همان) استفاده شود.
- در صورت ترجمه بودن مقاله، اصل مقاله ترجمه شده، معرفی نویسنده، معرفی کتاب یا مجله مأخذ همراه ترجمه ارسال گردد.
- منابع مورد استفاده در متن، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی یا نام اشهر نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:
- کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده/ نویسندگان)، نام کتاب، نام مترجم، محقق یا مصحح، تعداد جلد، نوبت چاپ، محل نشر، نام ناشر، تاریخ انتشار.
- مقاله: نام خانوادگی، نام (نویسنده/ نویسندگان)، «عنوان مقاله داخل گیومه»، نام نشریه، دوره/ سال، تاریخ انتشار، شماره جلد، شماره صفحات مقاله.
- پایگاههای اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده (آخرین تاریخ و زمان تجدید نظر در پایگاه اینترنتی)، «عنوان موضوع داخل گیومه»، نام و آدرس پایگاه اینترنتی.
- نام کامل نویسنده، رتبه دانشگاهی یا عنوان علمی و نام مؤسسه متبوع وی به دو زبان فارسی و انگلیسی قید شود و همراه با نشانی پستی، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی ارسال گردد.
- مجله در ویرایش یا کوتاه کردن مقالات آزاد است.
- مقالات رسیده به هیچ وجه عودت داده نمی‌شود.
- آرا و نظرهای نویسندگان مقالات لزوماً دیدگاه مجله نیست.
- نویسندگان می‌توانند مقاله‌های خود را به نشانی دفتر مجله (مشهد، صندوق پستی: ۴۶۱-۹۱۳۷۵) یا نشانی الکترونیکی (razavi-magazine@imamreza.net) ارسال کنند.

## جلوه‌ای از اصل مودت و رحمت

### در سیره خانوادگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

□ مصطفی دلشاد تهرانی

□ عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث

#### چکیده

رفتارشناسی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در خانواده و راه و رسم دیگر معصومان علیهم السلام در امتداد آن و اصولی که آنان بر اساسش در خانواده رفتار نموده‌اند، راهنمایی مفید و کلیدی در حوزه مباحث خانوادگی است که در استحکام بنیان خانواده، نقش بسزایی ایفا می‌کند.

در این نوشتار، تلاش شده است تا سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اوصیای او علیهم السلام در زمینه مودت و رحمت به عنوان یک اصل کلی در محیط خانواده از منابع آن یعنی قرآن، سنت و منابع روایی و تاریخی اسلام استخراج گردد. کلید واژگان: قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله، مودت، رحمت، خانواده.

#### واژه‌شناسی سیره

واژه «سیره» اسم مصدر از «سیر» است. «سین و یاء و راء» ریشه‌ای است که بر «گذشتن و روان شدن و حرکت کردن» دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۳۸۹: ۱۲۰/۳). این



ریشه همچنین به معنای «رفتن و سیر کردن در زمین» است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۵۳/۵). «سیره» بر وزن «فِعْلَة» بیان کننده نوع حرکت و رفتار انسان است. این واژه در این وزن بر هیأت و حالت انجام شدن فعل دلالت می کند؛ همچون «جَلَسَة» یعنی نشستن و «جَلَسَة» یعنی نوع نشستن، و «سیره» نوع حرکت است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۵۴/۶)؛ از این رو، اهل لغت در توضیح آن گفته اند؛ «سیره» طریقه، هیأت و حالت است (ابن فارس، ۱۳۸۹: ۱۲۱/۳). همچنین آن را سنت، مذهب، روش، رفتار، راه و رسم، سلوک و طریقه معنا کرده اند؛ از «سیره فرد» به صحیفه اعمال او و کیفیت سلوکش در میان مردم تعبیر کرده اند (زمخشری، بی تا: ۲۲۶). راغب اصفهانی درباره این واژه می نویسد:

سیره حالت و روشی است که انسان و غیر انسان، نهاد و وجودشان بر آن قرار دارد، خواه غریزی باشد و خواه اکتسابی؛ چنان که گفته می شود: فلانی سیره و روشی نیکو یا سیره و روشی زشت دارد و آیه «سنعیدها سیرتها الأولى» (طه / ۲۱)؛ یعنی آن حالتی که بر آن بوده که همان خوب بودن آن است (بی تا: ۲۴۷).

بنابراین، سیره بیان کننده حالت های رفتاری برقرار و استوار است و مفهومی نزدیک به مفهوم سبک رفتار دارد.

### معنا و مفهوم واژه سبک

«سبک» در لغت به معنای «گداختن و ریختن زر و نقره» است و سبیکه، پاره نقره گداخته را گویند، ولی ادبای اخیر، سبک را مجازاً به معنای طریزی خاص از نظم و نثر استعمال کرده اند و تقریباً آن را در برابر «استیل»<sup>۲</sup> اروپاییان قرار داده اند؛ «استیل» در زبان های اروپایی از لغت «استیلوس» یونانی به معنای «ستون» مأخوذ است و در عرف ادب، روش نگارشی است که به وسیله خواص ممتاز خویشتن، مشخص باشد. سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۵۵: ۳-۴).

۱. اشاره به عصای حضرت موسی علیه السلام است که خداوند فرموده است: «نترس! آن را به طبیعت و نهاد اولش برمی گردانیم».

2. Style.

سیره به معنای سبک، در وجه رفتاری است و آن در واقع، روش خاص عمل و موضع گیری و حرکت در امور مختلف است؛ همان طور که کلمه استیل به معنای ستون و نیز سبک و معنای ذکر شده برای آن، نوعی صلابت و استواری را افاده می کند، در مفهوم سیره نیز این استواری و صلابت نهفته است. با این تعبیر در مفهوم سیره، ثبات حالت و هیأت و روش مستتر است و این، آن چیزی است که یافتنش در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مهم و ارزشمند است.

### مفهوم سیره و سیره شناسی

با توجه به آن چه ذکر شد، مفهوم حقیقی سیره، نوع رفتار و سبک رفتار و طریقه خاص زندگی است که لازمه آن، داشتن اصول در زندگی است؛ یعنی انسان در زندگی خویش، در حوزه های مختلف، تابع اصول عملی کلی، مشخص و ثابت باشد و سیره شناسی در واقع، شناخت اصول و روش هایی است که یک شخص صاحب اصول و روش در رفتار و کردار خود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین انسانی بوده و اهل بیت و اوصیای آن حضرت علیهم السلام نیز چنین بوده اند.

### وحدت سیره معصومان علیهم السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیره ای را بنیان گذاشت که دیگر معصومان نیز همان را ادامه دادند؛ بدین معنا که اصول کلی زندگی همه معصومان یکسان است و تغییر شرایط، آن اصول کلی را دگرگون نکرده است، بلکه صورتها و جزئیات و راه حلها به تبع تغییر شرایط، تغییر یافته است. این امر، زمینه ای را فراهم می کند که بتوان اصول سیره نبوی را در یک دوره تاریخی ۲۷۳ ساله (۲۳ سال عصر رسالت و ۲۵۰ سال عصر امامت و خلافت) بررسی کرد. این سیره واحد در وجوه مختلف زندگی معصومان علیهم السلام، یعنی زندگی فردی، اجتماعی، مدیریتی، خانوادگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی هویداست؛ برای مثال، اصول زیر در سیره نبوی و زندگی همه معصومان علیهم السلام دیده می شود؛ به گونه ای که هیچ یک از آنان از این اصول تخطی ننموده اند و می توان آنها را به عنوان اصولی حاکم بر زندگی خویش پذیرفته، پیروی از آنها را پیروی از سیره نبوی دانست. این اصول عبارت است از:

۱. سیره فردی (اصل حفظ حدود الله، اصل کیفیت استخدام وسیله، اصل اعتدال و...).
۲. سیره اجتماعی (اصل رفق و مدارا، اصل تکریم، اصل عدالت اجتماعی و...).
۳. سیره مدیریتی (اصل شرح صدر، اصل رعایت اهلیت، اصل تفویض اختیار و مسئولیت خواهی و...).

### استخراج اصول سیره

ریشه و اساس اصول سیره نبوی در قرآن کریم است. خدای سبحان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نمونه نیکو برای پیروی معرفی کرده (احزاب/ ۲۱)، راه و رسم آن حضرت را نیز در حوزه‌های مختلف در بیانات مستقیم و غیر مستقیم به اجمال معرفی فرموده است.

در امتداد قرآن کریم، احادیث نبوی و ولوی و سپس رفتار و عملکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای آن حضرت در کلیه زمینه‌های تاریخی، گنجینه استخراج سیره است. البته لازم است، منابع فرعی نیز دیده شود. از مجموع این مواد می‌توان اصول سیره را استخراج نمود. در این استخراج، تشکیل دادن خانواده حدیث و خانواده رفتار و عملکرد و پالایش و گزینش آنها، مسیر دستیابی به اصول را هموار و ضریب اطمینان را به حد مطلوب می‌رساند.

### معنای اصطلاحی و پیشینه کاربرد اصطلاحی واژه سیره

«سیره» هنگامی که به عنوان یک پیشینه از مباحث تاریخی، موضوع بحث مورخان قرار گرفت، آن چیزی را که باید در بر می‌گرفت، شامل نشد. مورخان که در احوال پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کتاب نوشتند، عنوان تاریخ خود را «سیره النبی» گذاشتند و شاید نخستین رشته تاریخی که مورد توجه و نظر مسلمانان قرار گرفت، همین «علم السیره» باشد. محتمل است که آنان می‌خواستند سبک و رفتار یا رفتارشناسی پیامبر را بیان کنند، اما به صرف رفتار قناعت کرده‌اند (ر.ک: مطهری، بی‌تا: ۱۲-۱۳). آنان «سیره» را به معنای شرح وقایع زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله به کار بردند: حوادث پیش از بعثت، حین بعثت و حوادث پس از آن و جنگهای پیامبر (ابن هشام، بی‌تا: ۱۵/۱ (مقدمه)).

مارسدن جونز<sup>۱</sup> در مقدمه محققانه خود بر کتاب *مغازی* واقدی یاد آور شده است که تردیدی نیست که واژه «سیره» به معنی شرح وقایع زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله به کار رفته است و این امر پیش از آنکه «ابن هشام» آن را در مورد کتاب خود به روایت «ابن اسحاق» به کار برد، استعمال می‌شده است؛ چنان که از خبر ابوالفرج اصفهانی در کتاب *الاعانی* به روشنی برمی‌آید که استعمال واژه «سیره» در مفهوم اصطلاحی آن (تاریخ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله)، در زمان محمد بن شهاب زهری (۵۸-۱۲۴ ق.) معمول و متداول بوده است (واقدی، ۱۴۰۹: ۱۹/۱).

ابوالفرج اصفهانی از قول مدائنی ضمن اخبار خالد بن عبدالله قسری می‌نویسد: ابن شهاب می‌گفته است که خالد بن عبدالله قسری به من گفت: کتابی درباره انساب برایم بنویس. من کار را با نوشتن نسب مضر آغاز کردم و هنوز آن را به پایان نبرده بودم که گفت: این کار را قطع کن که خداوند بن و ریشه آنها را قطع کرده است و برای من سیره [شرح حال پیامبر صلی الله علیه و آله] را بنویس (۱۴۰۶: ۲۱/۲۲).

بدین ترتیب، واژه «سیره» در مفهوم اصطلاحی آن، در قالب شرح احوال و تاریخ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله شکل گرفت و همچنان باقی ماند و به عنوان «رفتارشناسی» و «روش‌شناسی» و «سبک‌شناسی» مورد عنایت جدی قرار نگرفت.

### سیره خانوادگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

خانواده محمل سیر دادن آدمی به سوی کمالات است و هیچ پایگاهی همچون خانواده ممکن نیست چنین نقش بسترسازی داشته باشد. انسان برای رشد و تعالی به آرامش روحی، جسمی و عاطفی نیاز دارد و این آرامش - آن گونه که باید - در خانواده تأمین می‌شود: ﴿و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها﴾ (روم/ ۲۱)؛ و از نشانه‌های او این است که از نوع خودتان، همسرانی برایتان آفرید تا به آنها آرام گیرید.

رفتارشناسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانواده و راه و رسم دیگر معصومان صلی الله علیه و آله در امتداد آن و اصولی که آنان بر اساسش در خانواده رفتار نموده‌اند راهنمایی مفید

1. Marsden Jones.

و کلیدی در حوزه مباحث خانوادگی است. در اینجا به اصلی از این اصول به اجمال پرداخته می‌شود تا گوشه‌ای از جمال رفتار نبوی، خود را بنمایاند که آن رسول رحمت، بهترین رفتار خانوادگی را جلوه گر ساخته است، و خود فرموده است:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۳۷۱)؛ بهترین شما کسی است که با خانواده‌اش بهترین رفتار را داشته باشد، و من بهترین رفتار را با خانواده‌ام دارم.

### اصل مودت و رحمت

در سیره خانوادگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مودت و رحمت به عنوان یک اصل مطرح است. این اصل را می‌توان در این آیه دید: ﴿... وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً﴾ (روم / ۲۱)؛ و در میان شما مودت و رحمت نهاد.

### معنای مودت و رحمت

«مودت» از «وَدَّ» و به معنای «دوست داشتن چیزی و آرزوی بقای آن» است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۵۱۶). و در واقع، مودت آن دوست‌داشتنی است که با اظهار علاقه و جلوه یافتن دوستی ملازم است، و مودت بر وزن «مفعله»، ثبات و دوام عمل و شدت و قوت تأثیر فعل را افاده می‌کند؛ و چنین دوست‌داشتنی در خانواده کلیدی است.

«رحمت» در لغت احسان و بخشش و افاضه به کسی است که استحقاق آن را دارد، و در روابط و مناسبات انسانی این امر به سبب رقت و رأفت و لطف و عطف و شفقت و دلسوزی حاصل می‌شود (ابن فارس، ۱۳۸۹: ۲/۴۹۸؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۱۹۱) و بی‌گمان این امر در خانواده ضروری و حیاتیبخش است.

### جایگاه و اهمیت مودت و رحمت

مودت و رحمت در روابط و مناسبات خانوادگی نقشی اساسی دارد و هر چه مودت و رحمت عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد، زندگی خانوادگی از آرامش و لذت و توانایی و

رشد بیشتر برخوردار خواهد بود؛ مودت و رحمتی معتدل، معقول، لطیف و انسانی.<sup>۱</sup> هر چه مودت و رحمت عمیق‌تر باشد، توان و تحمل افراد بیشتر می‌شود و هر چه گسترده‌تر باشد، رفتارها مناسب‌تر می‌گردد و هر چه انسانها در مراتب انسانی بالاتر و وجودشان لطیف‌تر شود، مودت و رحمتشان بیشتر می‌شود و گسترده‌تر جلوه می‌یابد؛ چنان که الگوهای کمال انسانی در این میدان نیز الگویی تام‌اند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «من أخلاق الأنبياء حبّ النساء (کلینی، ۱۳۸۸: ۵/۳۲۰؛ شیخ صدوق، بی‌تا: ۳/۳۸۴؛ شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۷/۴۰۳)؛ دوست داشتن زن (همسر) از خلق و خوی پیامبران است».

هر چه انسانها در مراتب کمال بالا روند و به مدارج والاتری از ایمان برسند، مودت و رحمتشان نسبت به همسر و خانواده بیشتر جلوه می‌کند؛ چنان که در حدیث نبوی آمده است: «كلّمَا ازداد العبد إيماناً ازداد حبّاً للنساء (ابن اشعث، بی‌تا: ۹۰؛ تمیمی مغربی، ۱۳۸۹: ۲/۱۹۲)؛ هر گاه ایمان بنده‌ای زیاد شود، محبتش نسبت به زن (همسر) زیاد می‌شود».

همان‌طور که عشق به کمالات حقیقی، منشأ رشد و تعالی و بارش رحمت الهی است، همسر دوستی نیز چنین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیانی لطیف و رحمانی فرموده است: «إنّ الرجل إذا نظر إلى امرأته، و نظرت إليه، نظر الله تعالى إليهما نظرة رحمة (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳/۶۳۶)؛ وقتی مرد به همسر خود [با محبت] می‌نگرد و زن به شوهر خود [با مهر] می‌نگرد، خداوند به دیده رحمت به آنان می‌نگرد».

خانواده پایگاه کمالات انسانی است و اساس این امر، مودت و محبت در خانواده است؛ چه اینکه زندگی بدون مودت و رحمت، ویران‌کننده‌ای بیش نیست که از آن روح و ریحانی نروید و صلاح و سامانی برنخیزد.

۱. در روایات متعدد نسبت به دوست‌داشتنی‌های برخاسته از تعلقات پست و محبت‌های افراطی هشدار داده و از آنها پرهیز داده شده است؛ چنان که در حدیث نبوی آمده است: «إنّ أول ما عُصِيَ اللهُ عزّ و جلّ به ست: حبّ الدنيا، و حبّ الرئاسة، و حبّ الطعام، و حبّ النوم، و حبّ الراحة، و حبّ النساء (برقی، ۱۳۷۰: ۱/۲۹۵؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۲/۲۸۹)؛ نخستین چیزهایی که بدان خداوند عصبان و نافرمانی شود، شش چیز است: دوستی دنیا، دوستی ریاست، دوستی خوراک، دوستی خواب، دوستی آسایش و دوستی زن».

## جلوه‌های مودت و رحمت در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

مودت و رحمت چون چشمه جوشان زلالی است که سیرابی زندگی از آن است و این چشمه، مجاری مختلف می‌یابد و در هر مجرا بارور کننده و رشد دهنده است. قرار گرفتن دو فرد با دو شخصیت و دو تربیت در کنار یکدیگر برای زندگی مشترک، به جوشش پیوسته مودت و رحمت نیازمند است و این، زمانی کارساز و مفید است که در ظروف مختلف جاری گردد و در صورتهای گوناگون خود را نشان دهد؛ بر زبان و گفتار، در سلوک و رفتار و در کنشها و واکنشها.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید کرده است که مودت و رحمت در خانواده به زبان آید و در عمل ظهور یابد و در رفتار، خود را نشان دهد: «قول الرجل للمرأة إنی أحبک لایذهب من قلبها أبداً (کلینی، ۱۳۸۸: ۵/۵۶۹)؛ سخن مرد به همسر خود که «دوستت دارم»، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود».

بهترین زندگی خانوادگی، زندگی با عشق و علاقه است و پیشوایان دین سفارش کرده‌اند که روابط زن و مرد در خانواده، روابط عاشقانه و پر لطافت باشد. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیر نسائکم... ألطفهنّ بأزواجهنّ و أرحمنّ بأولادهنّ» (همان: ۳۲۶)؛ بهترین زنان شما... با محبت‌ترینشان نسبت به شوهرانشان و مهربان‌ترین مادران نسبت به فرزندانشان هستند».

عشق و علاقه میان زن و مرد، آنان را به روابطی گرم و صمیمی و توأم با عفت و پاکدامنی سوق می‌دهد. پیام‌آور خوبیها و زیباییها، حضرت ختمی مرتبت فرموده است: «خیر نسائکم العفیفة العلیمة، العفیفة فی فرجها، العلیمة علی زوجها (ابن اشعث، بی تا: ۹۲؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۵/۳۲۴؛ تمیمی مغربی: ۱۳۸۹: ۲/۱۹۷)؛ بهترین زنان شما زن عفیفه راغب است که در عین حفظ ناموس خود، نسبت به همسرش رغبت و تمایل داشته باشد».

چون بنای زندگی بر دوستی و عشق و ورزی استوار شود، تنگ نظری و خودخواهی رنگ می‌بازد و روابطی لطیف و انسانی در زندگی مشترک حاکم می‌گردد و در همه چیز خود را نشان می‌دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انسان مؤمن را در

چنین فضایی این گونه معرفی کرده است: «المؤمن يأكل بشهوة أهله، و المنافق يأكل أهله بشهوته (کلینی، ۱۳۸۸: ۴/۱۲)؛ مؤمن به میل خانواده‌اش غذا می‌خورد و منافق خانواده‌اش به میل او غذا می‌خورد».

مودت و رحمت در خانواده اقتضائاتی دارد؛ جوشش سرشار محبت و ریزش پربار رحمت در نگاه، بیان، رفتار، کنشها و واکنشها و پرهیز از خودخواهیها و تمامت خواهیها. از این رو، گفته شده است: «لایجوز للرجل أن یخصّ نفسه بشیء من المأکول دون عیاله (قمی، ۱۳۸۷: ۱/۳۸۷؛ حویزی، بی تا: ۳/۶۸)؛ جایز نیست که مرد چیزی از خوردنی را بدون خانواده‌اش ویژه خود گرداند».

## محبت و رحمت به کودکان

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای آن حضرت بر محبت و رحمت به کودکان تأکید بسیار شده است؛ چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

أحبوا الصبیان و ارحمهم و إذا وعدتموهم شیئاً ففوا لهم لایدرون [لایرون] إلا أنکم ترزقونهم (کلینی، ۱۳۸۸: ۶/۴۹؛ شیخ صدوق، بی تا: ۳/۴۸۳)؛ کودکان را دوست بدارید و به ایشان مهر ورزید و چون به آنان وعده‌ای دادید، به وعده خود عمل کنید که آنان شما را روزی رسان خود می‌دانند.

هر چند انسان در تمام مراحل دوران زندگی خود نیازمند محبت و رحمت است، اما در دوران کودکی این نیاز شدیدتر است؛ از این رو، پیشوایان دین بدان توجه داده‌اند، همان طور که در حدیث امام صادق علیه السلام آمده است: «إن الله لیرحم العبد لشدة حبه لولده (کلینی، ۱۳۸۸: ۶/۵۰؛ شیخ صدوق، بی تا: ۳/۴۸۲)؛ بی گمان خداوند به سبب شدت محبت انسان به فرزندش بدو رحمت می‌کند».

هیچ چیز در زندگی کودک جایگزین محبت خالصانه با جلوه‌های گوناگون آن نیست و هیچ چیز مانند آن، بر جان، روح و جسم کودک تأثیر مثبت ندارد و زمینه‌ساز کسب کمال نیست. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیثی را نقل کرده است که به خوبی بیان کننده این مهم است: «من قبل ولده كتب الله عزّ و جلّ له

حسنة، و من فرّحه فرّحه الله يوم القيامة (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۹/۶)؛ هر که فرزندش را ببوسد، خدا ﷻ در نامه عملش حسنه‌ای ثبت کند و هر که فرزندش را شاد کند، خداوند او را در روز قیامت شاد نماید».

پیامبر اکرم ﷺ چنان بر روابط محبت‌آمیز و ابراز محبت‌های راستین تأکید داشت که می‌فرمود: «أكثرُوا من قُبلة أولادكم فإنّ لكم بكل قُبلة درجة في الجنة» (ابن قُتال نيسابوري، ۱۴۰۶: ۴۰۴)؛ فرزندان خود را بسیار ببوسید که با هر بوسیدن برایتان در بهشت، مقام و مرتبتی فراهم می‌شود».

در نگاه رسول خدا ﷺ آنان که کودکان را از محبت خود محروم می‌سازند، از حقیقت انسانی بی‌بهره‌اند و خود را از کمال محروم نموده‌اند. از امام صادق ﷺ روایت شده است که فرمود:

جاء رجل إلى النبي ﷺ فقال: ما قبلت صبياً قط. فلما ولى، قال رسول الله ﷺ: هذا رجل عندي أنه من أهل النار (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۰/۶)؛ مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: من هرگز کودکی را نبوسیده‌ام. چون بازگشت، رسول خدا ﷺ فرمود: این شخص از نظر من اهل آتش جهنم است.

همچنین نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ حسن و حسین ﷺ را بوسید. اقرع بن حابس که شاهد مهر و محبت پیامبر ﷺ به فرزندانش بود، گفت: من ده فرزند دارم و هرگز هیچ یک از آنان را نبوسیده‌ام. پس رسول خدا ﷺ فرمود: «من لا یرحم لا یرحم» (ابن قُتال نيسابوري، ۱۴۰۶: ۴۰۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۳/۳۸۴)؛ کسی که رحمت و محبت نکند، مورد رحمت و محبت قرار نمی‌گیرد».

هیچ چیز مانند محبت صادقانه تأثیر گذار نیست، اما این محبت باید معتدل باشد و به افراط و تفریط نگراید؛ چنان که امام باقر ﷺ فرموده است:

شرّ الآباء من دعاه البرّ إلى الإفراط؛ و شرّ الأبناء من دعاه التقصير إلى العقوق (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۰-۳۲۱)؛ بدترین پدران کسی است که نیکی او را به زیاده‌روی [در محبت] وادارد و بدترین فرزندان کسی است که کوتاهی کردن [در انجام دادن وظایف] او را به نافرمانی و ناراضی کردن [والدین] بکشاند.

کمبود محبت و زیاده‌روی در ابراز محبت، هر دو آسیب‌زا و زیانبار است.

### مودت و رحمت پیامبر اکرم ﷺ و اوصیایش به خانواده

پیامبر اکرم ﷺ که در مراتب کمال انسانی به بالاترین مرتبه دست یافته بود، در مودت و رحمت به خانواده نیز در اعلا درجه، زیست نمود؛ چنان که می‌فرمود:

حُبِّ إلی من الدنيا النساء والطيب و قرّة عینی فی الصلاة (شیخ صدوق، بی‌تا: ۱/۱۶۵)؛ از دنیا زن [همسر] و بوی خوش محبوب من قرار داده شده و نماز، روشنی چشم من قرار داده شده است.

رسول خدا ﷺ به همسر دوستی چنان لطیف نگریسته که آن را در کنار بوی خوش مطرح کرده است. و در حقیقت، بوی خوش زندگی محصول این عشق و دوستی است.

پیامبر اکرم ﷺ کانون محبت و رحمت در خانواده بود؛ چنان که انس بن مالک درباره این شأن حضرت گفته است: «هیچ کس را ندیدم که از رسول خدا ﷺ نسبت به خانواده، مهربان‌تر باشد» (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۱/۱۳۶؛ ابویعلی موصلی، ۱۴۱۰: ۷/۲۰۵).

پیشوایان دین، همه، در عرصه محبت و رحمت پیشتازی کرده‌اند؛ چنان که از زبان پیامبر اکرم ﷺ، این گونه توصیف شده‌اند:

أعطینا أهل البيت سبعة لم يعطهن أحد کان قبلنا ولا يعطاهن [یعطاها] أحد بعدنا... و المحبة فی النساء (ابن اشعث، ۱۳۶۰: ۱۸۲؛ راوندی، بی‌تا: ۱۵)؛ بر ما اهل بیت هفت چیز داده شده است که به هیچ کس پیش و پس از ما چنین داده نشده است، و آنها عبارت است از: ... و محبت به همسر.

این محبت و رحمت با همه جلوه‌هایش در رفتار پیامبر اکرم ﷺ نمود داشت؛ به گونه‌ای که آن حضرت هرگز تندی و عیب‌جویی ننمود (طبرسی، ۱۳۹۲: ۱۶؛ سمهودی، ۱۴۰۴: ۱/۲۶۶).

رسول خدا ﷺ که جلوه تامّ عشق و دوستی الهی بود، در خانواده نیز سراسر عشق و دوستی به همه بود، سیره‌نویسان درباره آن حضرت چنین نقل کرده‌اند: «سیره پیامبر چنین بود که هر روز صبح بر سر فرزندان خود و فرزندان فرزندان خود، دست محبت می‌کشید» (ابن فهد حلّی، ۱۴۰۷: ۸۹).

برترین نمونه‌های تربیت نبوی، یعنی علی ﷺ و فاطمه ﷺ، عاشقانه می‌زیستند.

روایت شده است که امام علی علیه السلام می فرمود:

و لقد كنت أنظر إليها فتتجلى عني الغموم و الأحزانُ بنظرتي إليها (خوارزمی، بی تا: ۲۵۶؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۳۶۲/۱) زمانی که به همسر فاطمه نگاه می کردم، با نظر به او اندوهها و حزنها از من رخت برمی بست.

امام حسین علیه السلام نیز در تغزلی لطیف، عشق و دوستی خود را به همسر و فرزند به زیبایی بیان کرده است:

لَعَمْرُكَ إِنِّي لِأَحَبُّ دَاراً	تكون بها سكينَةٌ و الربابُ
أُحِبُّهَا و أبذلُ جِلِّ مَالِي	و ليس لعاتب عندي عتاب
فلمست لهم و إن عابوا مُضِيعاً	حياتي أو يُعَيِّنِي التراب. ۱

۱. «به جانم سوگند که همانا من خانه‌ای را دوست دارم که سکینه [دخترم] و رباب [همسر] در آن باشند. آن دو را دوست دارم و در راه دوستی آنان از تمام مال خود می گذرم و هیچ سرزنشگری را نشاید که مرا در این امر نکوهش نماید. من تا زنده‌ام، هرگز پیرو سرزنشگران نخواهد شد؛ هرچند سرزنشم نمایند تا آنگاه که در زیر خاک پنهان شوم و خاک مرا بپوشاند.»  
 این ابیات با مختصر اختلافی در برخی کلمات آن در منابع زیر آمده است: ابن سعد، ۱۴۱۶: ۱۸؛ ابن قتیبه، ۱۴۰۷: ۲۱۳ [فقط بیت اول]؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۶: ۱۴۳/۱۶؛ همو، ۱۴۰۸: ۹۴؛ سبط ابن جوزی، ۱۴۰۵: ۲۳۸.

### کتاب‌شناسی

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

- ابن اشعث کوفی، ابوعلی محمد، *الاشعثیات (الجعفریات)*، تهران، مکتبه نینوی، بی تا.

- ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ ق.

- همو، *ترجمة الامام الحسن و مقتله*، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ق.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.

- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، مصر، بی تا، ۱۳۸۹ ق.

- ابن فثال نساپوری، *روضه الواعظین*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.

- ابن فهد حلی، احمد، *عده الداعی و نجاح الساعی*، تصحیح و تعلیق احمد موحدی قمی، بیروت، دار المرتضی - دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.

- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *المعارف*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

- ابن هشام، عبدالملک، *سیره النبی*، مقدمه محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دار الفکر، بی تا.

- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن محمد، *الغانی*، شرحه و کتب هوامشه عبدالعلی مهنا و سمیر صابر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.

- همو، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.

- ابوعلی موصلی، احمد بن علی، *مسند ابوعلی الموصلی*، حقیقه و خرّج احادیثه حسین سلیم اسد، دمشق، دار الثقافة العربیه، ۱۴۱۰ ق.

- اخطب خوارزم، موفق بن احمد، *المناقب*، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.

- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، تبریز، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ ق.

- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، به اهتمام جمال‌الدین الحسینی المحدث، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ق.

- بهار، محمد تقی، *سیک‌شناسی*، تهران، سازمان کتابهای پرستو، ۱۳۵۵ ش.

- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور، *دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام*، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۹ ق.

- حویزی، عبدالعلی بن جمعه عروسی، *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح و تعلیق هاشم رسولی محلاتی، قم، دار الکتب العلمیه، بی تا.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار المعرفه، بی تا.

- راوندی، فضل‌الله، *نوادیر الراوندی*، بیروت، مؤسسه البلاغ، بی تا.

- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *اساس البلاغه*، تحقیق عبدالرحیم محمود، بیروت، دار المعرفه، بی تا.

- سبط ابن جوزی، یوسف بن فرغلی، *تذکره النخوص*، بیروت، مؤسسه اهل البيت، ۱۴۰۱ ق.

- سهودی، علی بن احمد، *وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی*، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *الخصال*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۹ ق.  
 - همو، *من لایحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، بی تا.  
 - شیخ طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.  
 - طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۲ ق.  
 - قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تصحیح و تعلیق سیدطیب موسوی جزائری، قم، مؤسسه دار الکتب للطباعة و النشر، ۱۳۸۷ ق.  
 - کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.  
 - متقی هندی، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.  
 - مطهری، مرتضی، *سیره نبوی*، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.  
 - واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، مقدمه مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق.  
 - یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.

## روش تعلیم دین در سیره نبوی

□ محمد حسین پژوهنده<sup>۱</sup>  
 □ محقق و نویسنده



### چکیده

نویسنده در این مقاله که به روش اسنادی (کتابخانه ای - آرشیوی) و به شیوه توصیفی مسئله محور انجام می گیرد، کوشیده است با مراجعه به قرآن و حدیث، کندوکاوی در خصوص یکی از مسائل دینی، یعنی «روش تعلیم دین به وسیله نبی مکرم اسلام ﷺ» انجام دهد که در ضمن آن، اشاره ای نیز به پاره ای از شیوه های آن خواهد داشت.

در واقع، مسئله اصلی این است که نبی مکرم اسلام ﷺ از چه روشی برای تبیین و تعلیم مواضع دینی استفاده می فرمود؟  
 به موجب مفاد آیه شریفه «و لکم فی رسول الله أسوة حسنة»، الگو گرفتن برای تبیین و آموزش دین از سیره رسول گرامی اسلام، وظیفه عالمان دینی است؛ بنابراین، هر چند که قالبها و ابزارها و گاهی نیز برخی شیوه ها در اثر تحولات اجتماعی تغییر یافته اند، اصول و معیارهای کلی به عنوان اینکه از

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی